



حماسه بانویی شگرف / نگاهی به اوصاف حضرت ام‌البنین(س)

نام او فاطمه بود که بعدها پس از ازدواج با حضرت علی(ع) با کنیه «ام‌البنین» (مادر پسران) مشهور شد. پدر و مادرش از خاندان بنی‌کلاب از اجداد بزرگ حضرت محمد(ص) و دارای صفات خانوادگی مشترک بودند.

نام او فاطمه بود که بعدها پس از ازدواج با حضرت علی(ع) با کنیه «ام‌البنین» (مادر پسران) مشهور شد. پدر و مادرش از خاندان بنی‌کلاب از اجداد بزرگ حضرت محمد(ص) و دارای صفات خانوادگی مشترک بودند.

در جغرافیایی به اندازه سرزمین کربلا، نبرد خون با شمشیر، در عصر روز عاشورا به پایان رسید. البته پیروزی نهایی، تام و تمام از آن خون بود که اکنون در رگ‌های نسل‌های انقلابی جریان دارد و هر آن که جز این گوید مرگش باد.

به یقین، یزیدین معاویه در این نبرد نابرابر با شکستی مفتضحانه و در همه سطوح و تا همیشه تاریخ روبه رو گردید، حتی حکومت و سلطنت خود را، دو سال پس از این فاجعه از دست داد و اینگونه بود که پیروزی خون بر شمشیر حسین بن علی(ع) پیوسته و مستمر در قلب میلیون‌ها انسان، در شرق و غرب عالم وارد شد.

اما در مورد ام‌البنین(س)، در این برهه از زمان، کافی است بدانیم که او در طول زندگی اش غم و اندوه و رنج و ناراحتی اسلام را بر دل داشت و با دیدن ستم‌دیدگان و مظلومان آل محمد(ص) جامه سوگ به تن می‌کرد و جام غصه می‌نوشید و راهی جز اشک نداشت. بی‌شک مواضع اعجاب‌انگیز بانوی قهرمان(ام‌البنین) در قبول ولایت اهل بیت(ع) آن هم تا این حد خالصانه، به خصوص نسبت به سیدالشهدا(ع) کاری انفعالی یا شتابزده و تصادفی نبود، بلکه علل و عوامل مختلفی باعث آن شد که رفته رفته او را به قله ایمان و اخلاص رساند و منتهی به چنین حالات و اوصاف شد.

مهم‌ترین شاخصه‌های آن حضرت در چهار محور

۱. درس آموزی ام‌البنین در مکتب امیرمؤمنان علی؛ تا آنجا که داودی صاحب کتاب «العمده» در کتاب خود، از ایشان با صفت «عالمه» یاد می‌کند. با توجه به این که در آن زمان هیچ زنی جز حضرت زینب(س) به این صفت متصف نشده بود. این بانو بزرگوار (ام‌البنین) به درجات عالی نایل شد و لیاقت و شایستگی آن را یافت که به بسیاری از علوم غیبی و اسرار پیچیده، که جبرئیل به پیامبر اسلام(ص) رساند و ایشان به پسر عمویش، علی سپرد و از طریق امیر المؤمنین به بقیه معصومین(ع) و افراد شایسته رسید. در همین رهگذر می‌توان به ماجرای اطلاع ایشان از حوادث عاشورا و کربلا و آنچه بر فرزندش عباس پیش خواهد آمد، اشاره کرد.

مشهور است وقتی حضرت ابو الفضل(ع) به دنیا آمد، علی دستان او را زیر و رو می‌کرد و آن‌ها را می‌بوسید و می‌گریست و وقتی ام‌البنین از علت آن می‌پرسد، به او خبر بریدن دستانش را در روز عاشورا می‌دهد. در حالی که تلاش می‌کرد به خیمگاه آب برساند و فرزندان پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را سیراب کند؛ بنابراین، اگر ام‌البنین را جزو خاندان عصمت و طهارت بدانیم، آنگاه بر ما فرض و واجب است نسبت به او و دیگران آگاهی، معرفت، مودت و پیروی داشته باشیم. به خصوص که پیامبر گرامی اسلام نیز در همین رابطه فرموده است: «هرکس به ما مهر بورزد و با این حال به دیدار خدا رود، از طریق شفاعت ما وارد بهشت می‌شود.» سوگند به آن که جانم در دست اوست در روز قیامت هیچ بنده‌ای از عمل خود سودی نمی‌برد، مگر این که نسبت به حق ما معرفت داشته باشد.

لیاقت و شایستگی روحی و روانی

۲. لیاقت و شایستگی روحی و روانی ام‌البنین. چنانکه فلاسفه می‌گویند، هر کاری در عالم خارج تحقق پیدا نمی‌کند، جز از طریق تحقق دو مسأله فعل و انفعال؛ یعنی فعل مورد نظر در عمل انجام گیرد و دیگر این که قابلیت آن فعل را داشته باشد؛ برای مثال، وقتی بخواهیم جامی را بشکنیم، به دو امر نیازمندیم جام قابل شکستن باشد و اقدام برای شکستن. پس اگر در عمل برای شکستن آن جام اقدام نکنیم، بدیهی است که نمی‌شکند و از سوی دیگر اگر اقدام کنیم، اما آن جام بلورین و یا شیشه‌ای نباشد، بلکه جامی باشد از آهن، معلوم است که قابلیت شکستن را ندارد و لذا موضوع شکستن منتفی است. همین مسأله در مورد انسان چه مرد و چه زن صادق است، یعنی اگر انتظار داشته باشیم که او انسانی عالم، دانا، باگذشت، سخاوتمند و در راه خدمت به اهل بیت(ع) ایثارگر باشد، لازم است دو امر یکی فعل؛ یعنی ابتدا باید به او تعلیم دهی و تربیتش کنی و مبانی از خود گذشتگی و جهاد را در روح و روان او وارد

نمایی و نیز ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) را از همان اوان کودکی، به قلب و گوشت و پوست او تزریق کنی. دیگری انفعال؛ بدین معنی که او استعداد و شایستگی و قابلیت این امر را داشته باشد؛ یعنی هرگاه به او آموزش داده شد، آموزش پذیر باشد و یا اگر به تربیت او پرداختند، استعداد تربیت را داشته باشد، اما اگر مثلاً فردی مجنون باشد صد البته که تعلیم و تربیت در او اثری نخواهد داشت.

لذا این موضوع از جهت فعل و انفعال بر شخصیت شخیص امّ البنین کاملاً انطباق دارد و همین امر، او را به مقام رفیع و منزلت والا رساند، به خصوص وقتی شخصی به نام «بشیر بن حدّلم» به سوی او آمد و خواست برای شهادت چهار فرزندش به او تسلیم بگوید و دلاری اش دهد، و این در حالی است که امّ البنین آنان را بسیار دوست می داشت و به آن ها عشق می ورزید، با این همه، رو به او کرد و با قلبی آهنین و معرفتی بی نظیر نسبت به اهل بیت (ع) گفت: «پاره های قلبم تکه تکه شدند، اما باکی نیست. فرزندام و هر آنکه زیر این گنبد کیود زیست می کند، فدای سرورم و آقام ابا عبدالله الحسین (ع) باد! من از تو در مورد پسرانم نپرسیدم، اما مشتاقم بدانم که فرزندم حسین زنده است یا به شهادت رسید».

آری او شبانه روز بر حسین (ع) می گریست و از فرط حزن و اندوه، خواب به چشمانش راه نداشت و اینگونه بود تا از دنیای فانی رخت بربست، البته این جایگاه ارزشی برای خانم ام البنین (س) به دست نمی آمد، مگر به جهت تحقق فعل و انفعال؛ چرا که او از علم و دانش امیرمؤمنان روشنایی گرفت و نزد او معارف متعالیه را آموخت و آنچه را که بیشتر مردم از آن اطلاع ندارند از همسرش فراگرفت. افزون بر این نباید اصالت و ژرفای ایمان و عمق شرافت حسب و نسب او را از یاد برد.

محیط خانوادگی خوب و تربیت شایسته

۳. محیط خانوادگی خوب و تربیت شایسته. بانو امّ البنین پرستنده و عابد و دوستار خیر و نیکی بود، امر به معروف می کرد و خود معروف را انجام می داد، نهی از منکر می کرد؛ چراکه او از سلاله ای پاک و ارجمند و محیطی نیکو برخوردار بود و اجداد و نیاکانش نیز به مکارم اخلاق و خصال پسندیده معروف بودند. از همه این موارد گذشته، او تحت حمایت و سرپرستی پدر و مادری جلیل القدر و گرانمایه و با ادب تربیت یافت و همین امر باعث شد تا او از همان اوان کودکی به عفت، عفاف، حجاب و حُسن رفتار و دیگر صفات نیکو و پسندیده متصف شود و این ویژگی ها ایشان را به درجه ای رساند که در عشق نسبت به حسین و فداکاری در راه او و تقدیم چهارپاره وجودش برای حمایت از او، به مرحله ذوب شدن در حبّ حسین نائل آید.

البته عکس این مطلب نیز صادق است، تا آنجا که محیط نا مناسب و ناهنجار خانوادگی می تواند آدمی را به یک حیوان درنده و خوک صفت مبدّل سازد و به مادون انسانیت تنزل دهد. نمونه روشن آن، عملکرد یزید بن معاویه بن ابو سفیان نسبت به امام حسین و یارانش بود که آن ها را به صورت فجیعی به شهادت رسانید و جامه از تن سرور جوانان بهشت به در آورد و دختران و پسران خردسال و زنان اهل بیت (ع) را به اسیری گرفت و از تمامی اینها گستاخانه تر این که سر از تن مبارک او جدا ساخت.

موضع اسلام در این باره (محیط سالم و ناسالم خانوادگی)، این است که باید در امر ازدواج حساس بود و برای نسل آینده خود همسری از خانواده سالم و اصیل برگزید و تنها فریب جمال ظاهری را نخورد؛ از این رو پیامبر خدا (ص) فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَثْبِئِ السَّوْءِ؛ برحذر باشید از خضراء دمن (گل روییده در مزبله)، یاران گفتند: پیامبر خدا! منظور از خضراء دمن چیست؟ فرمود: همان زن زیباست که در محیط فاسد بار آمده باشد» پیداست امّ البنین نمونه اعلا و الگوی والا کرامت و اصالت خانوادگی بود که امیرمؤمنان این بانوی ارجمند را، از آن خاندان دلاور پرور و نجیب به همسری بر می گزیند.

احساس مسئولیت، ولایتمداری و مکلف در مقابل دین خدا

۴. احساس مسئولیت، ولایتمداری و مکلف در مقابل دین خدا یکی از دلایلی که باعث شد امّ البنین در عشق به حسین بن علی (ع) ذوب شود و با تمام وجود پیرو اهل بیت (ع) شود و به رفیع ترین درجات ایثار و فداکاری در این راه نایل آید و از خود و فرزندانش و هرآنچه دارد، شمع هایی بسازد تا گرد وجود نازنین جگر گوشه های حضرت فاطمه (س) بسوزند و بسازند تا از او حمایت و دفاع کنند، احساس مسئولیت ایشان در برابر اهل بیت (علیهم السلام) اینگونه بود.

در همین مینا، حضرت امام جواد (ع) فرمود: «مؤمن به سه خصلت نیاز دارد: توفیق الهی، واعظ درونی و ناصح بیرون».

باید گفت این بانوی گرامی(امّ البنین) هر سه خصلت یاد شده را داشت، بدین معنی که او هم از توفیق و مدد الهی دراین مسیر بهره برد و هم از واعظ درونی در ارتباط با احساس مسئولیت نسبت به خاندان پیامبربرخوردار شد و هم از ارشاد و راهنمایی های همسرش ، علی بن ابیطالب به عنوان ناصح بیرونی استفاده کرد و با این خصلت ها برتر از دیگر زنان شد.

یادداشت از علی عقیلی؛ کارشناس ارشد الهیات